

مواجهه امامان معصوم علیهم السلام با انحرافات فکری و فرهنگی اهل اباحه (با تأکید بر مرجئه و غلات)

یدالله حاجی زاده*

چکیده

تداوم تفکرات اباحی گرایانه از گذشته تا زمان حاضر میان برخی از فرقه‌های اسلامی و ضربه‌ای که فرهنگ و تمدن اسلامی از اینها متحمل می‌شود، ضرورت توجه به آن را بیشتر می‌کند. شاید بتوان گفت نمود بارز تفکر اباحی گرایانه در قرون اولیه اسلامی بین مرجئه و غالیان بوده است. مرجئه و غلات هر یک با باورهایی خاص، تفکرات اباحی گرایانه را ترویج کرده‌اند. سؤالی پژوهش حاضر این است که نوع مواجهه امامان شیعه علیهم السلام با باورهای انحرافی و تخریبی اهل اباحه چگونه بوده است؟ بررسی منابع تاریخی و روایی نشان می‌دهد پیشوایان دینی به رد این باور انحرافی پرداخته و همواره عمل را از لوازم ایمان دیده و با تفکرات اباحی گرایانه مرجئه و غلات به شدت برخورد کرده‌اند، حتی در مواردی اهل اباحه را لعن کرده و از آنان براءت جستند. این پژوهش ضمن معرفی اجمالی این انحراف، به نوع مقابله امامان علیهم السلام با آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی

امامان علیهم السلام، اباحی گری، فرهنگ، غالیان، مرجئه.

hajizadeh30@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۲۱

*. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۰۴

طرح مسئله

در مباحث فرهنگی و تمدنی، «فرهنگ» به عنوان پایه و اساس دستیابی به تمدن، همواره مورد توجه قرار گرفته است. شاید به همین خاطر است که دشمنان اسلام به منظور ضربه زدن به فرهنگ و تمدن اسلامی، تفکرات لیبرالی و در نتیجه اباحی گری و یا به تعبیری بی قیدی و لاابالی گری را در برابر ارزش های اسلامی ترویج می کنند. به نظر می رسد امروزه برخی از بینش های عصر مدرنیته، به شیوع اباحی گری کمک کرده است. در میان مکاتب غربی تفکر اباحی گری،^۱ با نظریه لیبرالیسم^۲ و سکولاریسم^۳ و از طرفی با اندیشه های تساهل و تسامحی بیشتر سازگار است. متأسفانه باید گفت این گرایش انحرافی حتی در میان برخی از مسلمانان و شیعیان نیز نفوذ یافته است. علی رغم تأکید قرآن کریم، نبی مکرم اسلام و امامان (علیهم السلام) بر توجه به عمل به احکام و دستورات اسلامی، بعضاً در جامعه شاهد وجود گروه های انحرافی ای هستیم که از روی جهالت و یا فریب کاری، آموزه های اسلامی را به شکلی نادرست در میان مردم ترویج کرده اند و در مواردی با تفسیر نادرست آموزه های اسلامی، به ترویج اباحی گری پرداخته اند. برخی از گروه های مرجئی نقش عمل را در ایمان آن قدر کم رنگ کرده اند که سر از اباحی گری در آورده اند و برخی از غالیان نیز با دست یازیدن به احادیثی چون «إذا عرف الامام فاعمل ما شئت» اباحی گری را تبلیغ کرده اند. به جز اینها قرامطه،^۴ اسماعیلیان نزاری،^۵ برخی از

1. Permissibility.

۲. شاخصه اصلی لیبرالیسم در عرصه فرهنگی، جانبداری از آزادی های فردی و اجتماعی به شکل افراطی، ترویج تساهل و تسامح به شکل اباحی گری و عدم تقید به امر مطلق است. (رکنی، اباحی گری در بوته نقد، ص ۴۵ به نقل از: کونل، لیبرالیسم، ص ۳۳ - ۱۹ جهت اطلاع بیشتر از این موضوع و ریشه های این تفکر ر.ک: رکنی، اباحی گری در بوته نقد، ص ۴۵ به بعد)

۳. برخی از طرفداران سکولاریسم این اصطلاح را چنین تعریف می کنند: در عصر جدید سکولاریسم، به معنای کنار گذاشتن آگاهانه دین از صحنه معیشت و سیاست معرفی شده است. (رکنی، اباحی گری در بوته نقد، ص ۴۷، به نقل از: سروش، معنا و مبانی سکولاریزم، ص ۱۳، جهت توضیحات بیشتر ر.ک: رکنی، اباحی گری در بوته نقد، ص ۴۷؛ برقه ای، سکولاریزم از نظر تا عمل، ص ۳۷ - ۳۶)

۴. قرامطه با استناد به آیه «وَكَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا» (بقره (۲): ۳۵) به دام اباحی گر افتاده بودند. (نوبختی، فرق الشیعه، ص ۷۴؛ ر.ک: سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۸، ص ۳۲۷)

۵. آقاخان ها که از اسماعیلیان نزاری هستند، با پذیرفتن حالت اعلام قیامت، به ملغی بودن شریعت و طبیعتاً اباحی گری کشیده شده اند. (ر.ک: فرمانیان، در سنامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۱۲۵)

۶. برخی از فرق صوفیه خود را مقید به قیود شریعت نمی دانند و می گویند تقید به احکام شریعت کار عوام است. (ر.ک: مازندرانی، شرح أصول الکافی، ج ۴، ص ۳۳۶؛ قاری، شرح الشفاء، ج ۲، ص ۵۱۹) «اقام محمد علی کرمانشاهی

فرقه علی‌اللهی^۱ و برخی از جریان‌های نوپدید عرفانی^۲ به اباحی‌گری کشیده شده‌اند. حتی در میان برخی از شیعیان نیز تفکرات ارجاء گونه‌ای چون «بستگی به محبت به اهل بیت علیهم السلام به‌منظور کسب سعادت» نفوذ یافته است و برخی از شیعیان افراطی نیز به جهت شدت ضدیت با خلفا، بعضاً ناخواسته اباحی‌گری را مجاز شمرده‌اند.^۳ همان‌گونه که در گذشته دشمنان اسلام با ترویج اباحی‌گری، مسلمانان را از اسپانیا بیرون راندند، امروزه نیز دشمنان اسلام تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از همین شیوه، جوانان را از اسلام و آموزه‌های ناب اسلامی دور کرده به اباحی‌گرایی بکشانند و از این طریق به اهداف استعمارگونه خویش دست یابند. امروزه در جامعه اسلامی ایران برخی تلاش می‌کنند اباحی‌گری را ترویج کنند. یکی از نویسندگان به‌منظور ترویج این اندیشه می‌نویسد: «مشکل جامعه ما کمبود متخصص فیزیک و شیمی نیست کمبود کسانی است که می‌توانند سیرک و قطار شادی راه بیندازند، آوازی بخوانند، سازی بنوازند، نقشی بنگارند و دست برفشانند. می‌خواهید در تشکیل جامعه مدنی سهیم باشید، موسیقی بیاموزید، سازتان را نه در خلوت انس بلکه بر سر کوچه بنوازید و شاد بنوازید!»^۴ با وجود انحرافات این‌گونه، نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد با استناد به سیره پیشوایان دینی، خطری که همچنان فرهنگ اسلامی را تهدید می‌کند، گوشزد کند تا با توجه به آن، مسیر دستیابی به تمدن نوین اسلامی هموارتر و سهل‌الوصول‌تر شود.

مسأله‌ای که این تحقیق بر عهده دارد بررسی این سؤال است که «امامان شیعه علیهم السلام چگونه با

در آغاز جلد دوم کتابش بحثی را تحت عنوان «سقوط تکالیف شرعی از نگاه صوفیان» مطرح کرده است ... (ر.ک: وحیدی مهرجردی، *تداوم اندیشه‌های مرجئه در برخی از فرقه‌های اسلامی*، ص ۱۳۵ به نقل از: بهیمانی، *خیراتیه در ابطال طریقه صوفیه*، ج ۲، ص ۱۱ - ۵)

۱. این فرقه به اجرای شریعت توجه نمی‌کنند و مقید به نماز و روزه نیستند و شراب را حلال می‌شمارند. (وحیدی مهرجردی، *تداوم اندیشه‌های مرجئه در برخی از فرقه‌های اسلامی*، ص ۱۳۹ به نقل از: مردانی، *سیری کوتاه در مرام اهل حق*، ص ۵)

۲. ر.ک: فعالی، *آفتاب و سایه‌ها نگاهی به جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا*، ص ۱۴۴ - ۱۴۳، ۱۶۶، ۳۷۳ و ...
 ۳. آنان روایت ضعیفی را مستند خویش در برپایی مراسمی انحرافی در نهم ربیع می‌دانند که حداقل در دو مورد اباحی‌گری را تبلیغ کرده است. «... وَأَمَرْتُ الْكَرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَا أَكْتُبُ عَلَيْهِمْ شَيْئاً مِنْ خَطَايَاهُمْ كَرَامَةً لَكَ وَلِوَصِيكَ» در بخش دیگری از این روایت آمده است: «وَيَوْمُ الْغَدِيرِ الثَّانِي، وَيَوْمُ تَحْطِيطِ الْأَوْزَارِ، وَيَوْمُ الْخَيْرَةِ وَيَوْمُ رَفْعِ الْقَلَمِ» مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۳۱، ص ۱۲۷ - ۱۲۵ درباره کسانی که به این روایت استناد می‌کنند و درباره نادرستی این روایت ر.ک: مسائلی، *نهم ربیع، ج حالت‌ها خسارت‌ها*.

۴. نیکفر، *هفته‌نامه نگاه نو*، ص ۶۲.

باورها و انحرافات فکری و فرهنگی اهل اباحه مواجه شده‌اند؟» در پاسخ به این سؤال و در فرضیه می‌توان گفت: امامان معصوم علیهم‌السلام به‌منظور مقابله با تفکرات انحرافی و تخریب‌کننده اهل اباحه، ضمن هشداردهی و آگاهی‌بخشی، در مواردی با بهره‌گیری از شیوه‌های سخت‌گیرانه‌ای چون لعن و برائت از اهل اباحه، تلاش کرده‌اند جامعه اسلامی را از خطری که از ناحیه این گروه‌ها احساس می‌شد نجات دهند.

این نوشتار با رویکرد مذکور از پیشینه‌ای برخوردار نیست. حتی درباره مبارزه امامان علیهم‌السلام با اباحی‌گری، مقاله و یا کتاب مستقلی نوشته نشده است. در کتاب‌هایی چون *تکلیف‌مداری و اباحی‌گری* نوشته حمیدرضا جوان، *گریز از ایمان و گریز از عمل* نوشته استاد مطهری، *خرقه می‌آلود* نوشته حسن یوسفیان و *دل باید پاک باشد* نوشته دکتر علی نصیری، جسته و گریخته به مخالفت امامان علیهم‌السلام با اهل اباحه اشاره شده است. کتاب *غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم علیهم‌السلام با ایشان* نوشته نگارنده نیز هرچند در لابه‌لای مباحث، به نوع برخورد امامان علیهم‌السلام با اهل اباحه پرداخته، اما فصل خاص و یا حتی مبحث خاصی به این موضوع اختصاص نداده است. از علی نصیری مقاله‌ای هم تحت عنوان «اندیشه اباحه‌گری آفت دین‌داری» به چاپ رسیده که صرفاً به ریشه‌های اباحی پرداخته است.^۲ در مقاله «تداوم اندیشه‌های مرجئه در برخی از فرقه‌های اسلامی» نوشته وحیدی مهرجردی، در حدود چهار صفحه به برخورد امامان علیهم‌السلام با اباحی‌گری اشاره شده است.^۳ در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* ذیل مدخل اباحیه صرفاً به معرفی اجمالی برخی از گروه‌های اباحی پرداخته شده و به برخورد امامان علیهم‌السلام با آنها اشاره‌ای نشده است.^۴ در سایر *دائرةالمعارف‌ها* و *دانشنامه‌ها* عمدتاً مدخل اباحی‌گری نیامده و یا به صورت گذرا از آن رد شده است.

مفهوم‌شناسی

اباحه در لغت و اصطلاح

اباحه از ریشه بوح به معنای اظهارکردن، اجازه‌دادن، رهاکردن و حلال کردن است.^۵ در بحث‌های

۱. جوان، *تکلیف‌مداری و اباحی‌گری*، ص ۸۱ - ۸۰.

۲. نصیری، *اندیشه اباحه‌گری آفت دین‌داری*، ص ۴۲ - ۳.

۳. وحیدی مهرجردی، *تداوم اندیشه‌های مرجئه در برخی از فرقه‌های اسلامی*، ص ۱۵۹ - ۱۲۹.

۴. موسوی بجنوردی، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲، ص ۳۰۱ - ۲۹۹.

۵. أَبَاحَهُ إِذَا جَهَرَ بِهِ... وَأَبَحْتُكَ الشَّيْءَ: أَحَلَلْتَهُ لَكَ. وَأَبَاحَ الشَّيْءَ: أَطْلَقَهُ. (ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۲، ص ۴۱۶)

فقهی، مباح به فعلی گفته می‌شود که پاداش و کیفری برای آن بار نشده است.^۱ در مباحث اخلاقی و کلامی، اباحه عبارت از مباح یا جایز شمردن کارهای حرام است و در نتیجه «باحی‌گری» یک روحیه یا طرز تفکر است که به مقتضای آن، انسان به خود حق می‌دهد که نسبت به حدود و ضوابط شرعی بی‌اعتنا شده و مرزهای حلال و حرام را زیر پا گذارد، لذا به گروه‌هایی که برخی از اعمال خلاف شرع را مباح پنداشته و آن را مرتکب شوند، «باحیه» گفته می‌شود.^۲ در این نوشتار مقصود از اهل اباحه افراد و فرقه‌هایی هستند که با داشتن باورهایی خاص، پایبندی به ضوابط شرعی را لازم نمی‌دانند.

مرجئه در لغت و اصطلاح

مرجئه بر وزن مُسْلِمَة اسم فاعل از ماده ارجاء، در لغت به دو معنا آمده است. یکی از این معانی، تأخیر انداختن است.^۳ تأخیر انداختن در اصطلاح، شامل مواردی چون تأخیر انداختن عمل از ایمان،^۴ تأخیر انداختن حکم مرتکب کبیره تا قیامت،^۵ تأخیر انداختن قضاوت درباره حق بودن یا باطل بودن امام علی علیه السلام و تأخیر انداختن علی علیه السلام از رتبه نخست در استحقاق خلافت و در برخورداری از فضائل نسبت به دیگر خلفای راشدین^۶ می‌باشد. معنای دوم واژه ارجاء از ریشه رجو به معنای امید دادن (نوید دادن) است.^۸ امید دادن در اصطلاح به این معناست که مرجئه به گناهکاران امید می‌دادند و آنها را امیدوار می‌ساختند که اگر گناهی مرتکب شدند، بخشیده می‌شوند. در این جا مقصود از مرجئه، قائلین به ایمان مرتکب کبیره و باورمندان به عدم ارتباط اعمال افراد با ایمان و کفر است.

۱. تهبانوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۶۰۰؛ مدخل اباحه، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. همان، ص ۳۰۱.

۳. در منابع لغوی ارجیت الامر و ارجیته به معنای اخرته (به تأخیر انداختن) آمده است. (جوهری، صحاح، ج ۶، ص ۲۳۵۲) و معنای تأخیر انداختن در قرآن نیز به کار رفته است. (ر.ک: اعراف (۷): ۱۱۱؛ توبه (۹): ۱۰۶؛ احزاب (۳۳): ۵۱)

۴. مرجئه عمل را نسبت به ایمان «مؤخر» می‌دانستند. (بغدادی، الملل والنحل، ص ۱۳۹)

۵. تأخیر حکم صاحب الکبیره الی یوم القیامة؛ مرجئه حکم مرتکب کبیره را تا قیامت به تأخیر می‌انداختند. (شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۶۲)

۶. سبحانی، بحوث فی الملل والنحل، ج ۳، ص ۱۰۲.

۷. لتأخیرهم علیاً علیه السلام عن مرتبته. (سبحانی، بحوث فی الملل والنحل، ج ۳، ص ۱۴۲)

۸. فراهیدی، العین، ج ۶، ص ۱۷۶. «إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا»؛ [چرا] که آنان هرگز امیدی به حساب نداشتند. (نبأ (۷۸): ۲۷)

شکل‌گیری مرجئه به صورت رسمی در نیمه دوم قرن اول هجری بوده است.^۱ مرجئه سیاسی کسانی بودند که معتقد بودند قضاوت درباره حق و باطل بودن عثمان و علی (ع) و اصحاب جمل و صفین را باید به تأخیر انداخت (توقف باید کرد) تا خداوند، خود در روز قیامت در این باره حکم کند. این افراد به «مرجئه اولی» شهرت یافته‌اند.^۲

در مرحله بعد، مرجئه کلامی شکل گرفتند. برخلاف خوارج که مرتکب کبیره را کافر می‌دانستند، مرجئه قائل به ایمان مرتکب کبیره شدند و اعمال و افعال انسان‌ها را مرتبط با ایمان و کفر آنان ندانستند.^۳ این امر کم‌کم موجب کم‌اهمیتی نسبت به عمل و در نتیجه اباحی‌گری شد و مرجئه افراطی به وجود آمد. این گروه که به «غلاة المرجئه»^۴ و مرجئه خلص (مرجئه ناب)^۵ نیز موسومند، معتقد بودند که در مسمای ایمان، اقرار زبانی و یا اقرار قلبی کافی است و گناهای چون زنا، سرقت، قتل، شرب خمر، نسبت‌های ناروا به دیگران و ترک نماز و زکات و روزه هیچ تأثیر زیان‌آوری بر ایمان ندارد.^۶ به تعبیری می‌توان گفت مرجئه بر این باور بودند که ایمان فی نفسه و به خودی خود، دارای چنان اعتبار و قدرت و اهمیتی است که می‌تواند انسان را رستگار کند و او را به سعادت برساند و نجات دهد.^۷ براساس نقلی از کلینی، مرجئه معتقد بودند که هر کس مؤمن باشد (اقرار به ایمان داشته باشد) در نزد خداوند هم مؤمن است.^۸ در برخی از منابع آمده است: مرجئه بر این باور بودند که با وجود ایمان، گناه هیچ ضرری ندارد. همان گونه که با کفر، انجام طاعات بی‌فایده است.^۹ به همین جهت در میان مرجئه کسانی بوده‌اند که صراحتاً این عقیده را ابراز می‌کردند که احدی از مسلمانان داخل جهنم نمی‌شود.^{۱۰}

۱. ر.ک: فرمانیان، آشنایی با فرق تسنن، ص ۵۳.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۰۷ برخی گفته‌اند اولین کسی که درباره ارجاء سخن گفت حسن بن محمد بن حنفیه (م. ۱۰۱) بوده است.

۳. سبحانی، بحوث فی الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۸؛ فرمانیان، آشنایی با فرق تسنن، ص ۵۳.

۴. ابن حزم، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، ج ۳، ص ۱۴۲.

۵. این تعبیر را ابن ابی الحدید در باره مرجئه افراطی به کار برده است. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۵۳)

۶. ملطی، التنبيه و الرد علی أهل الأهواء و البدع، ص ۳۵.

۷. ابن عباد، الابانه عن مذهب العدل، ص ۲۳.

۸. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۰.

۹. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۲.

۱۰. اشعری، مقالات الإسلامیین، ص ۱۴۷.

طبیعتاً مرجئه افراطی، با کاستن از تأثیر عمل در نجات و رستگاری انسان، به اباحی‌گری کشیده شدند و زمینه ترویج گناه را در جامعه فراهم ساخته‌اند و به تعبیری «تفسیر این گونه از اسلام که در نهایت به نفی تشرع می‌انجامید».^۱

غلو در لغت و اصطلاح

غلو از ماده «غ ل و» بر وزن فُعُول، مصدر غلی یغلو، در لغت به معنای ارتفاع، افراط، با رفتن و تجاوز از حد و مقدار و زیاده‌گویی و زیاده‌انگاری است.^۲ در تعریف اصطلاحی غلو، هرچند اتفاق نظر وجود ندارد، اما عمدتاً این واژه در مورد کسانی به کار می‌رود که پیامبران، امامان و رهبران خویش را از حدود بندگان و آفریدگانی الهی فراتر برده و آنان را «خدا» و یا متصف به «صفات خدایی» دانسته‌اند.^۳ در این تحقیق مقصود از غلات کسانی هستند که امامان علیهم‌السلام را خدا می‌دانستند و یا صفات فوق بشری برای آنان قائل بودند.

اباحی‌گری به عنوان یکی از بارزترین نشانه‌های غالیان قلمداد شده است. در روایتی امام صادق علیه‌السلام اشاره دارد: غالیان به جهت فرار از برپا داشتن واجبات و اداء حقوق، نافرمانی خداوند را کوچک شمرده‌اند.^۴ در کتب فقهی نیز اباحی‌گری، از مصادیق بارز غلو تلقی شده است.^۵

با مراجعه به فرقه‌های غالی و عقاید غالیانه، می‌توان اباحی‌گری را در بسیاری از این جریانات به وضوح مشاهده کرد. افرادی چون مغیره بن سعید (م. ۱۱۹)، ابومنصور عجلی (م. ۱۲۲)، محمد بن مقلاص اسدی مشهور به ابوالخطاب (م. ۱۳۸)، معمر بن احمر (قرن دوم)، محمد بن نصیر نمیری (م. ۲۷۰) و شلمغانی (م. ۳۲۳) در مواردی با تأویلات ناروا^۶ و احیاناً با برداشت‌های نادرست از برخی از روایات،^۷ به دام اباحی‌گری افتاده‌اند. این افراد بعضاً ازدواج با محارم را جایز شمرده و حکم به عدم لزوم رعایت

۱. مفتخری، مرجئه و نو مسلمنان، ص ۳۴.

۲. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۴۴۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.

۳. مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۱.

۴. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۷.

۵. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۵؛ جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۰؛ امام خمینی، کتاب الطهاره، ج ۳، ص ۳۳۹؛ حکیم، مستمسک العروة، ج ۱، ص ۳۸۶.

۶. اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۰.

۷. صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۸۸؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۰.

واجبات و محرمات کرده‌اند.^۱ دقت در باورهای اباحی‌گرایانه غالیان، نشان می‌دهد که آنان با تأویل واجبات و محرمات، بهشت و جهنم و آیات قرآن و احیاناً با برداشت ناقص و یا انحرافی از بعضی روایات و بعضاً با استدلال‌هایی بی‌پایه، در دام اباحی‌گری افتاده‌اند و به تبلیغ آن پرداخته‌اند.

پیشوایان دینی و نوع مقابله آنان با تفکرات انحرافی اهل اباحه

خطری که از سوی اهل اباحه، فرهنگ و تمدن اسلامی را تهدید می‌کرد، سبب شده پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) با جدیت به مقابله با آنان پرداخته و با استفاده از شیوه‌های مختلف، نادرستی این انحراف را بیان نمایند. تأکید بر انجام عبادات و ترک گناهان، تأکید بر عمل در کنار ایمان، رد تأویل، رد باور «اذا عرفت الامام...» لعن اهل اباحه و برائت از ایشان از مهم‌ترین شیوه‌های برخورد بوده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

تأکید بر انجام عبادات و ترک گناهان

ائمہ (ع) همواره پایبند اعمال صالح بودند و از ارتکاب کوچک‌ترین گناهان دوری می‌کردند. آنان دیگران را به اطاعت از خویش سفارش می‌کردند و شیعیان واقعی را پایبند به اطاعت از خویش، واجبات الهی و تقوی دانسته‌اند.^۲ این سفارشات به حدی زیاد است که اشاره به گوشه‌ای از آنها می‌تواند نوشتاری مفصل باشد.

رسول گرامی اسلام (ص) در سفارش به بنی‌هاشم و بنی‌المطلب، فکر ترک عمل صالح به دلیل انتساب به ایشان را، تفکری نادرست و بی‌فایده خواندند^۳ و حتی انتساب فاطمه زهرا (ع) را به خویش، موجب بی‌نیازی آن بانوی گرامی از انجام اعمال صالحه ندانستند.^۴ طبیعتاً این سخنان و سفارشات به‌منظور مقابله با دیدگاه ارجاء گونه‌ای بوده که حتی در صدر اسلام نیز در میان اهل کتاب

۱. اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۴۸ و ۵۳؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۹۴ و ۲۵۰ - ۲۴۹؛ اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۰؛ بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۳۵؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۴۹؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۱۰؛ حمیری، الحور العین، ص ۱۶۹؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، ص ۵۲۱؛ طوسی، الغیبه، ص ۳۹۹؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۸، ص ۲۸.

۲. احادیثی چون: «أَنَّ شِيعَتَنَا هُمُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آثَارَنَا وَيُطِيعُونَ فِي جَمِيعِ أَمْرِنَا...»، «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَخَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا...» و ... همگی در همین زمینه صادر شده‌اند.

۳. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۸۲؛ ابن اسحاق، السیره النبویه، ص ۱۴۷.

۴. کراچکی، التعجب، ص ۹۴؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹.

و مسلمانان رخنه کرده بود و آیاتی از قرآن کریم در رد این باور نازل شده بود.^۱ سایر پیشوایان دینی نیز همواره بر انجام عبادات و ترک گناهان تأکید داشتند. امام صادق علیه السلام بر لزوم عبادت خداوند اصرار داشتند و با سوگند به ذات حق، کسب مقامات معنوی علی علیه السلام را به جهت اطاعت از خدا می دانستند.^۲ سوگند امام صادق علیه السلام در این روایت در واقع تأکیدی بوده بر نادرستی باور اهل اباحه که در زمان آن حضرت به وفور در جامعه وجود داشت.^۳ همچنین امام صادق علیه السلام ضمن اشاره به اباحی گری به عنوان یکی از نشانه های غالیان،^۴ شیعیان خویش را اهل عفاف و پاک دامنی و ترک گناه معرفی کردند.^۵

امام صادق علیه السلام در نامه ای به شیعیان پس از اینکه اخبار اباحی گری غالیان را به عرض حضرت رسانده بودند، فرمودند: ... آیا آنها سخن خداوند را که فرموده است: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ»^۶ و قول خداوند: «وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ»^۷ را نشنیده اند؟^۸ حضرت با استناد به این دو آیه - که به صورت کاملاً آشکار، از تحریم اعمال زشت و قبیح و گناهان سخن گفته اند - عقیده اباحی گرایانه آنان را نادرست شمردند. آن حضرت به منظور رد عقیده اباحی گری سوگند یاد کردند که خودشان اهل اباحی گری، نیستند.^۹

در حدیثی دیگر آن حضرت سوگند یاد کردند که اگر ما شیعیان را به اباحی گری امر می کردیم، نباید بپذیرند. (چه رسد به اینکه از این کار نهی کرده ایم)^{۱۰} در این روایت امام صادق علیه السلام نادرستی باور اباحی گری را به قدری واضح و روشن دانسته اند که از شیعیان انتظار می رود خودشان به این امر پی ببرند که اباحی گری به هیچ عنوان با باورهای اصیل اسلامی همخوان نیست.

۱. نساء (۴): ۱۲۳. در این باره ر.ک: مطهری، *احیای تفکر اسلامی*، ص ۴۱ - ۴۰.

۲. طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، ص ۱۰۷.

۳. در این باره ر.ک: حاجی زاده، *غالیان و شیوه های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان*، ص ۲۱۹ ذیل عنوان اهل اباحه.

۴. طوسی، *الامالی*، ص ۶۵۰.

۵. طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، ص ۳۰۶.

۶. بگو: پروردگار من، تنها [کارهای] زشت را، آنچه آشکار است از آنها و آنچه پنهان است، و [همچنین] گناه و ستم به ناحق را حرام کرده است. (اعراف (۷): ۳۳)

۷. و گناه آشکار و پنهان را رها کنید. (انعام (۶): ۱۲۰)

۸. قاضی نعمان، *دعائم الاسلام*، ج ۱، ص ۵۲.

۹. نعمانی، *الغیبه*، ص ۳۷.

۱۰. طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، ص ۲۲۶.

امام حسن عسکری علیه السلام به منظور رد عقیده اباحی‌گری، سوگند یاد کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و انبیاء علیهم السلام، اهل نماز، زکات، حج، روزه و (معتقد به) ولایت بوده‌اند.^۱ سوگند آن حضرت بر پابندی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر انبیا الهی - به عنوان کسانی که به مراتب بالای حق و یقین رسیده‌اند - به احکام و دستورات شرعی، علاوه بر اینکه اهمیت این فرایض را می‌رساند، مقابله‌ای بوده با باور کسانی که می‌گفتند وقتی به حق یا معرفت رسیدی تکلیف از دوش تو برداشته می‌شود. امام زمان علیه السلام نیز در توقیعی، ضمن تأکید بر عبودیت خویش و پدرانش و همه انبیا به لزوم عبادت خداوند اشاره و به آیات ۱۲۴ تا ۱۲۶ سوره طه^۲ استناد کرده‌اند.^۳ این تأکید می‌تواند نفی عقیده اباحی‌گری باشد که همواره گروه‌های منحرف بر آن تأکید داشته‌اند.

تأکید بر عمل در کنار ایمان

در قرآن کریم معمولاً واژه ایمان به همراه عمل صالح مطرح شده است.^۴ همچنین قرآن کریم - برخلاف دیدگاه مرجئه - تسلیم زبانی را با ایمان واقعی یکی ندانسته است.^۵ در روایات، به فرض پذیرش اینکه معصیت، مسلمان را به جرگه کفر وارد نمی‌کند، نقش عمل را در ایمان منتفی نشده است و به صور مختلف آن را با ایمان مرتبط دانسته‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در موارد متعددی بر انجام عمل در کنار ایمان تأکید داشته است. در حدیثی از آن حضرت آمده است: ایمان به ادعا و آرزو نیست، ایمان باور خالصانه‌ای است در قلب، که اعمال فرد، آن باور را تصدیق می‌کنند.^۶ در احادیث دیگری که از آن حضرت نقل شده، ایمان، قول و عمل در کنار هم تصویر شده است.^۷ در این روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان ادعایی و زبانی را بی‌فایده دانسته و بر انجام عمل - به عنوان تصدیق‌کننده ایمان - تأکید کرده‌اند. امامان علیهم السلام نیز همواره بر این اصل مهم (لزوم وجود عمل در کنار ایمان) تأکید کرده و شیعیان را به

۱. همان، ص ۱۹۵.

۲. طه (۲۰): ۱۲۶ - ۱۲۴.

۳. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴ - ۴۷۳.

۴. نحل (۱۶): ۹۷.

۵. بقره (۲): ۸.

۶. صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۸۷.

۷. «الْإِيمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ» (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۸): «الْإِيمَانُ قَوْلٌ وَعَمَلٌ أَخَوَانِ شَرِکَانِ». (حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۵)

انجام اعمال دینی و مواظبت بر عمل در کنار ایمان سفارش کرده‌اند. بیان همه موارد سفارشات و تأکیدات آنان در این مختصر نمی‌گنجد، به همین جهت به پاره‌ای از موارد در سیره آنان اشاره می‌شود. امام علی علیه‌السلام تحقق ایمان را با اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح دانسته‌اند.^۱ در این حدیث، آن حضرت صرف اعتقاد قلبی و یا اقرار زبانی را در تحقق ایمان کافی ندانسته و عمل را شرط و یا لازمه ایمان واقعی شمرده‌اند.

امام سجاده علیه‌السلام در روایتی اشاره دارند: تنها چیزی که سبب نجات می‌شود عمل صالح و تقید به شریعت است. آن حضرت دیدگاه افراط گونه‌ای که انتساب به اهل بیت علیهم‌السلام را عامل نجات می‌داند، مورد تخطئه قرار داده‌اند.^۲

امام باقر علیه‌السلام نیز با نقل حدیثی از امام علی علیه‌السلام عمل به دستورات دینی را لازمه ایمان شمرده‌اند.^۳ براساس این روایت صرف شهادت به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و به تعبیری اقرار زبانی در ایمان افراد کفایت نمی‌کند بلکه در کنار این اعتقاد، عمل به فرایض الهی نیز لازم است. در روایت دیگری امام باقر علیه‌السلام ایمان را حقیقتی می‌داند که در دل جای می‌گیرد و او را به‌سوی خداوند می‌کشد و طاعت و تسلیم در برابر خداوند نشانه و شاهی بر درستی ادعای او است.^۴ در این روایت امام باقر علیه‌السلام - همانند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم - ایمان ادعایی را بی‌فایده دانسته و بر انجام عمل (به‌عنوان شاهی بر صدق ایمان) تأکید کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در روایات متعددی به همراهی عمل و ایمان اشاره کرده و شرط قبولی اعمال را ایمان دانسته‌اند. در روایتی آن حضرت کسی را که معتقد باشد ایمان صرفاً قول است بدون عمل، مورد لعن قرار داده‌اند.^۵ واژه ملعون که در این روایت تکرار شده، تأکیدی است بر نادرستی دیدگاه مرجئه که ایمان و عمل را از یکدیگر جدا دانسته‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در روایت دیگری پس از اینکه سخن یکی از یارانش را درباره عقیده مرجئه شنید که آنان می‌گویند همان گونه که هر کس در نزد ما کافر باشد در نزد خدا هم کافر است بنابراین مؤمن هم وقتی به ایمانش اقرار کند، در نزد خداوند هم مؤمن است، پس از تعجب از این سخن

۱. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. ابن شهر آشوب؛ المناقب، ج ۴، ص ۱۵۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳.

۴. همان، ص ۲۶.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۹.

فرمودند: «چگونه این دو چیز مانند هم هستند درحالی که کفر، اقراری است که به بینة نیاز ندارد ولی ایمان ادعایی است که (در نزد خداوند) جز با بینة به اثبات نمی‌رسد و عمل و نیت، بینة و شاهد بر وجود ایمان است. وقتی نیت و عمل با هم متفق باشند، پس آن فرد در نزد خداوند هم مؤمن است...»^۱. دقت در این حدیث این دو نکته را می‌رساند که اولاً: ادعای مرجئه مبنی بر اینکه هر کس مؤمن باشد، نزد خداوند هم مؤمن است، از منظر امام صادق علیه السلام باوری نادرست است. ثانیاً: صرف ادعای ایمان، دلیل بر مؤمن بودن افراد در نزد خداوند نیست. بنده در صورتی مؤمن واقعی است که به دستورات الهی عمل کند و نیت او هم خالص باشد. بنابراین «تصور اینکه ایمان بدون عمل باشد، اساساً معنی ندارد، حتی اگر فرض کنیم ایمان یک تصدیق قلبی صرف است. زیرا این تصدیق لوازمی می‌طلبد که عمل از اولی‌ترین این لوازم به شمار می‌رود»^۲.

امام رضا علیه السلام در نامه‌ای که به مأمون نوشته‌اند، ایمان را اداء امانت، دوری از همه کبائر، معرفت قلبی، اقرار زبانی و عمل به ارکان دانسته‌اند.^۳ این سخن امام رضا علیه السلام نیز تأکیدی است بر نادرستی باور کسانی که عمل را از ایمان جدا می‌دانستند و به همین جهت به اباحی‌گری کشیده شده بودند. امام رضا علیه السلام در روایتی دیگر به منظور مقابله با باور اهل اباحه، با استدلالی عقلی عقیده اباحی‌گونه برادرش زید را که معتقد بود: «فرزندان و ذریه حضرت زهرا علیها السلام به هر حال (چه اهل طاعت باشند یا نباشند) نجات می‌یابند»، رد کردند و فرمودند: «پس تو در این صورت از پدرت موسی بن جعفر علیه السلام در نزد خداوند گرامی‌تری زیرا او در دنیا امر خدا را اطاعت کرد و تو امر خدا را عصیان می‌کنی و به قول تو هر دو مثل هم اهل نجات و سعادت هستی؟!»^۴ انکار عقیده ارجاء گونه زید با چنین استدلالی نشان دهنده نادرستی باور زید می‌باشد که تصور می‌کرد انتسابش به اهل بیت علیهم السلام عاملی است که می‌تواند در پرتو آن دست به هر گناهی بزند و خداوند هم او را عقوبت نخواهد کرد.

رد تأویل‌های اباحی‌گرایانه

به نظر می‌رسد چون تأویل‌های اباحی‌گرایانه عمدتاً از زمان امام صادق علیه السلام آغاز شده،^۵ از زمان همین

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۰.

۲. جعفریان، مرجئه، ص ۱۰۶.

۳. صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۵.

۴. همو، معانی الاخبار، ص ۱۰۶.

۵. ر.ک: حاجی‌زاده، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان، ص ۲۱۹ - ۱۰۷.

امام است که این گونه تأویلات به چالش کشیده شده و نادرست معرفی شده‌اند. امام صادق (علیه السلام) در مواردی از تأویل نادرست احادیث توسط برخی شیعیان گلایه کرده‌اند.^۱ آن حضرت در ضمن نامه‌ای به ابوالخطاب، عقیده تأویلی او را مبنی بر اینکه اموری چون زنا، خمر، نماز، روزه و فواحش، نام مردانی هستند، انکار کرد و بر طاعت الهی تأکید کرده و دشمنی خویش را با گناهان و بدی‌ها اعلام کردند.^۲ همچنین آن حضرت پس از اشاره به عقاید غالیانه ابوالخطاب و خطابیّه، به مفضل بن عمر فرمودند: هر که با ما مخالفت کند در آتش است و در ادامه این حدیث حضرت فرمودند: هر کس از ما بپذیرد و اطاعت کند در بهشت است و هر کس از کافر دروغ گو (ابوالخطاب) اطاعت کند در آتش است.^۳ در این روایات امام صادق (علیه السلام) مخالفت خویش را با افکار تأویل‌گرایانه ابوالخطاب به‌صراحت اعلام کرده و بر انجام اعمال صالحه و دوری از گناهان تأکید کرده است.

وقتی به امام صادق (علیه السلام) خبر دادند که عده‌ای از اهل اباحه همه چیز را حلال اعلام کرده، محارم را حلال می‌دانند و ظواهر را ترک کرده‌اند و اهل نماز و روزه و خمس و زکات نیستند و عبادات را نام مردانی می‌دانند که شناخت آنان سبب بی‌نیازی از عمل می‌شود و محرماتی چون شراب و قمار و زنا را کنایه از افراد می‌دانند و ...، حضرت در نامه‌ای خطاب به شیعیان کوفه فرمودند: هر کس چنین اعتقادی داشته باشد به خداوند شرک ورزیده و شرک او کاملاً آشکار است، چراکه آیات الهی را تکذیب کرده است.^۴ امام (علیه السلام) در این حدیث، کنار گذاشتن آیات قرآن را از لوازم غیرقابل انکار اعتقاد به اباحی‌گری دانسته‌اند، چراکه قرآن کریم التزام به دستورات دینی را همواره لازم دانسته است. بنابراین از منظر امام صادق (علیه السلام) کسی که با تأویل آیات قرآن، محرمات الهی را حلال بداند، به جهت تکذیب آیات الهی در زمره کافران قرار گرفته است.

آن حضرت ضمن اشاره به نادرستی عقیده تأویل، خود را امام کسانی می‌دانست که از آن حضرت پیروی کنند.^۵ همچنین آن حضرت به‌منظور نفی اباحی‌گری، ایمان کسانی را که دست از ظواهر کشیده بودند و تنها ایمان به باطن را ملاک می‌دانستند، بی‌فایده دانست.^۶ تمامی این روایات در جهت انکار

۱. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۱.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ص ۲۹۱.

۳. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۰.

۴. صفار، بصائر الدرجات، ص ۵۴۷؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۲.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۳۷.

۶. صفار، بصائر الدرجات، ص ۵۵۷.

باورهای نادرست اهل اباحه بوده که صرف ایمان و معرفت قلبی را در نیل به سعادت کافی می‌دانستند. وقتی امام هادی علیه السلام با خبر شدند علی بن حسکه و قاسم یقطینی معتقدند: آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱ اشاره به شخصی است که اهل رکوع و سجود نبوده است و منظور از «زکات» مرد مشخصی است، نه پرداخت مبلغی درهم و دینار و اموری از واجبات و مستحبات؛ و گناهان را بر همین منوال، تأویل می‌کنند، حضرت فرمودند: «این (عقاید و اعمال)، دین ما نیست. از آن دوری کنید»^۲ این بیان حضرت نشان دهنده جدایی مسیر اهل اباحه از راه و سیره پیشوایان دینی می‌باشد که همواره بر انجام طاعات و ترک گناهان تأکید داشته‌اند.

رد باور نادرست «اذا عرفت الامام ...»

در برخی از منابع متقدم، روایتی از ائمه علیهم السلام نقل شده است که اهل اباحه برداشتی نادرست و اباحی‌گونه از آن داشته‌اند. در این حدیث که کلینی و شیخ صدوق آن را از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند آمده است: «اذا عرفت فاعمل ما شئت»^۳ وقتی (حق) را شناختی هرگونه می‌خواهی عمل کن! عده‌ای با استناد به این حدیث تصور می‌کردند با شناخت امام، تکلیف از دوش آنان برداشته می‌شود! امام صادق علیه السلام به‌منظور مقابله با تفسیر نادرست این حدیث، به‌شدت با این عقیده انحرافی مخالفت کرد و در پاسخ به شخصی به نام محمد بن مارد که از آن حضرت در خصوص صدور این حدیث سؤال کرده بود که آیا شخص این چنینی، هرکاری هرچند زنا، دزدی یا شراب خمر - می‌تواند انجام دهد؟ با بیان جمله «انا لله و انا اليه راجعون»، شدت مخالفت خویش را نشان داد. سپس حضرت اشاره فرمودند: چگونه می‌شود ما ائمه خود به‌خاطر اعمالمان مورد مؤاخذه قرار گیریم اما تکلیف از آنها برداشته شود؟! حضرت در این کلام استدلال می‌کند: چگونه است که ما ائمه با اینکه به معرفت الهی رسیده‌ایم اما در عین حال باید اهل انجام عبادات و ترک محرمات باشیم و در غیر این صورت مؤاخذه می‌شویم اما آنها (که معتقدند ما این حدیث را گفته‌ایم) می‌توانند هر کاری که بخواهند انجام دهند!!؟ در ادامه، حضرت به تفسیر صحیح این روایت اشاره کردند که وقتی امام را شناختی آن چه از اعمال نیک، کم و زیاد می‌خواهی انجام بده و این معرفت و شناخت، سبب قبولی اعمال تو می‌شود.^۴

۱. عنکبوت (۲۹): ۴۵.

۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، ص ۵۱۷.

۳. صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۸۱؛ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۶۴.

۴. همان.

در حقیقت امام صادق علیه السلام با یک جواب نقض و یک جواب حلّی، تصور برداشته شدن تکالیف را تصویری نادرست دانسته‌اند. عبارت توضیحی‌ای که امام صادق علیه السلام در پایان حدیث «اذا عرفت فاعمل ما شئت» نقل می‌کنند، به این نکته اشاره دارد که با معرفت امام یا معرفت خداوند هرگونه عملی از انسان، کوچک باشد یا بزرگ مورد قبول و رضایت خداوند قرار می‌گیرد.

آن حضرت همچنین با استناد به آیه ۳۱ سوره آل عمران «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي»^۱ عقیده نادرست اهل اباحه، مبنی بر اینکه «حب اهل بیت علیهم السلام از عمل کفایت می‌کند» را رد کردند و اطاعت از خداوند را نشانه محبت به ذات باری تعالی دانستند.^۲ شاید به جهت مخالفت با این‌گونه برداشت‌های انحرافی بوده که امام صادق علیه السلام حتی در آخرین لحظات عمر خویش، بر لزوم پایبندی به نماز و عبادت تأکید داشتند.^۳

لعن اهل اباحه

لعن از سوی خداوند به معنای دوری از رحمت و سعادت الهی است و در خواست لعن از طرف لاعنین (غیر خدا) در حقیقت درخواست دوری لعن شوندگان از رحمت و سعادت است.^۴ در برخی از منابع، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که در آن ضمن اشاره به تعریف مرجئه، این فرقه مورد لعن قرار گرفته است.^۵ این روایت می‌تواند به عنوان پیشگویی آن حضرت درباره افرادی باشد که معتقد بودند ایمان صرفاً قول است و عمل نقشی در آن ندارد.

امام صادق علیه السلام در حدیثی غالیان را به خاطر اباحی‌گری مورد لعن قرار داده‌اند.^۶ آن حضرت در حدیثی دیگر که به افکار و اعمال قائلان به تناسخ پرداخته‌اند، با اشاره به اینکه آنها معتقدند نماز و روزه بر آنها واجب نیست و همه شهوات دنیا را بر خود حلال می‌دانند ...، به زشتی گفتار آنان در نزد همگان و لعن ایشان توسط همه امت‌ها اشاره دارند. در همین روایت امام صادق علیه السلام به لعن آنان

۱. بگو: اگر آنچه در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند. (آل عمران (۳): ۳۱)

۲. صدوق، خصال، ص ۲۲.

۳. برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۸۰؛ صدوق، امالی، ص ۵۷۲.

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۳۹۰.

۵. لعنت القدیة والمرجئة ... (قاضی عبدالجبار، المعنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۸، ص ۳۲۹؛ سبحانی،

بحوث فی الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۱۶)

۶. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۲۷.

توسط قرآن هم اشاره کرده‌اند.^۱ شاید مقصود ایشان از لعن آنان در قرآن، آیه ۷۸ سوره مائده باشد که در آن کافران بنی‌اسرائیل، به جهت گناه و تجاوز، توسط حضرت داوود و عیسی بن مریم علیهم‌السلام، لعن (و نفرین) شدند.^۲

برائت از اهل اباحه

امام صادق علیه‌السلام از ابوالخطاب و پیروانش به جهت اباحی‌گری آنها برائت جستند و فرمودند: من فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستم ... اگر خدا را اطاعت کنم به من رحم و اگر خدا را نافرمانی کنم، مرا به شدت عذاب خواهد کرد.^۳ در این حدیث امام صادق علیه‌السلام لزوم اطاعت همه اشخاص را از خداوند متذکر شده‌اند و خودشان را به رغم اینکه فرزند رسول خدا هستند، مصون از عذاب الهی نمی‌بینند. هم‌چنین آن حضرت از اهل اباحی‌گری برائت جست و اعلام کردند من فقط امام کسانی هستم که مطیع من باشند.^۴ این روایت نشان می‌دهد اهل اباحه چون پیرو دستورات پیشوایان دینی نبوده‌اند، امام علیه‌السلام بیزاری خویش را از آنان اعلام کرده‌اند.

نتیجه

اباحی‌گری به معنای بی‌قیدی و لایابالی‌گری، یکی از تفکرات انحرافی و تخریبی است که از همان صدر اسلام در میان برخی از فرقه‌ها (عمدتاً غلات و مرجئه) وجود داشته و طبیعتاً مقابلۀ پیشوایان دینی را در پی داشته است. امامان معصوم علیهم‌السلام که وظیفه خویش را پاسداری از فرهنگ اصیل اسلامی می‌دانستند و با هر تفکر انحرافی مقابلۀ می‌کردند، به‌شدت با تفکرات اهل اباحه - که در مرحله اول فرهنگ اسلامی و سپس تمدن اسلامی را می‌توانست با چالش مواجه کند - برخورد کرده و با شیوه‌های مختلف تلاش کرده‌اند انحراف و نادرستی این باور را به مسلمانان آموزش دهند. آنان تنها به برخوردهای آگاه‌کننده و هشدارگونه بسنده نکرده‌اند بلکه در مواردی با برخوردهای سخت‌گیرانه‌ای چون لعن و نفرین اهل اباحه تلاش کرده‌اند فرهنگ اصیل شیعی و اسلامی را از خطر عظیمی که از ناحیه اباحیان متوجه اسلام و جامعه اسلامی می‌شد، برطرف سازند.

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲. مائده (۵): ۷۸.

۳. طوسی، اختیار معرفة الرجال، (رجال کشی)، ص ۲۲۶.

۴. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۷۴.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن اثیر، عزالدین، الکامل، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۶ ق.
۵. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن شهر آشوب، المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۹.
۷. ابن عباد، اسماعیل، الابانه عن مذهب العدل، بغداد، دار النهضة، ۱۹۶۳.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
۹. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، بی جا، علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۰.
۱۰. اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین، آلمان، فراینس شتاینر، چ ۳، ۱۴۰۰ ق.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله، کتاب الطهاره، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۸۹.
۱۲. برقه‌ای، محمد، سکولاریزم از نظر تا عمل، تهران، چ ۱، قطره، ۱۳۸۱.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
۱۴. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. _____، الملل و النحل، بیروت، دار المشرق، ۱۹۹۲.
۱۶. بهبهانی، وحید، خیراتیه در ابطال طریقہ صوفیه، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. تهانوی، محمد علی، موسوعه کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، چ ۱، ۱۹۹۶.
۱۸. جعفریان، رسول، مرجئه، قم، خرم، ۱۳۷۱.
۱۹. جوان، حمیدرضا، تکلیف‌مداری و اباحه‌گری، قم، دفتر عقل، چ ۱، ۱۳۸۸.
۲۰. جواهری، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دار الکتب العلمیه، چ ۳، ۱۳۶۸.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح، بیروت، دار العلم للملایین، چ ۱، بی تا.
۲۲. حاجی زاده، یدالله، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم علیهم السلام با ایشان، قم، معارف، چ ۱، ۱۳۹۴.
۲۳. حکیم، سید محسن، مستمسک العروه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. حمیری، ابوسعید بن نشوان، الحور العین، بی نا، تهران، ۱۹۷۲ م.

- ۴۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۸، تابستان ۹۶، ش ۲۷
۲۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم، آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. رکنی، محمدتقی، «اباحی گری در بوته نقد»، *مربیان*، س چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ ش ۱۴ - ۱۳، ص ۵۹ - ۳۸.
۲۷. سبحانی، جعفر، *بحوث فی الملل و النحل*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۲۸. سروش، عبدالکریم، «معنا و مبنای سکولاریزم»، *کیان*، ش ۲۶، ۱۳۷۴.
۲۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، قم، الشریف الرضی، ج ۳، ۱۳۶۴.
۳۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۳۱. _____، *علل الشرائع*، نجف، منشورات المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵.
۳۲. _____، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان، ۱۳۷۸.
۳۳. _____، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۹.
۳۴. _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۶. طباطبائی، سید محمدحسین، *تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین، ج ۵، ۱۴۱۷ ق.
۳۷. طبرسی، احمد بن علی، *احتجاج*، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق.
۳۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ج ۳، ۱۳۷۵.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۴۰. _____، *الغیبه*، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱ ق.
۴۱. _____، *امالی*، قم، دار الثقافه، ج ۱، ۱۴۱۴ ق.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، قم، دارالهجره، ج ۲، ۱۴۰۹.
۴۳. فرمانیان، مهدی، *آشنایی با فرق تسنن*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ج ۱، ۱۳۸۷.
۴۴. _____، *درسنامه تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، قم، ادیان، ج ۱، ۱۳۸۶.
۴۵. فعالی، محمدتقی، *آفتاب و سایه ها نگاهی به جریان های نوظهور معنویت گرا*، قم، نجم الهدی، ج ۲، ۱۳۸۶.
۴۶. قاری، ملاعلی، *شرح الشفاء*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۲۱.
۴۷. قاضی عبدالجبار، *المغنی فی ابواب التوحید و العدل*، قاهره، الدار المصریه، ۱۹۶۵.
۴۸. قاضی نعمان، *دعائم الاسلام*، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ ق.

۴۹. کراجکی، ابوالفتح، *التعجب*، بی جا، بی تا، بی نا.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
۵۱. کونل، راین هارد، *لیبرالیزم*، ترجمه منوچهر فکری ارشاد، تهران، توس، ۱۳۵۷.
۵۲. مازندرانی، مولی صالح، *شرح أصول الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه ۱۳۸۸.
۵۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تهران، اسلامیه، بی تا.
۵۵. مردانی، محمد، *سیری کوتاه در مرام اهل حق*، بی جا، مؤسسه دفاع از حریم اسلامی، ۱۳۷۷.
۵۶. مسائلی، مهدی، *نهم ربیع، جهالت ها خسارت ها*، قم، وثوق، چ ۱، ۱۳۸۶.
۵۷. مطهری، مرتضی، *احیای تفکر اسلامی*، تهران، صدرا، چ ۲۸، ۱۳۸۷.
۵۸. _____، *گریز از ایمان گریز از عمل*، تهران، صدرا، ۱۳۹۴.
۵۹. مفتخری، حسین، «مرجئه و نو مسلمانان»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، بهار ۱۳۸۰، ش ۵، ص ۴۴-۲۷.
۶۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، بیروت، دار المفید، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
۶۱. ملطی، ابن عبدالرحمن، *التنبیه و الرد علی اهل الأهواء و البدع*، قاهره، مکتبه مدبولی، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۶۲. موسوی بجنوردی، کاظم، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۴.
۶۳. نصیری، علی، «اندیشه اباحه گری آفت دین داری»، *کتاب نقد*، ش ۴۰، ص ۴۲-۳.
۶۴. _____، *دل باید پاک باشد*، قم، وحی و خرد، ۱۳۹۱.
۶۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۶۶. نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، بیروت، دار الاضواء، چ ۲، ۱۴۰۴.
۶۷. نیکفر، محمدرضا، *هفته نامه نگاه نو*، بهار ۱۳۷۷، ش ۳۶.
۶۸. وحیدی مهرجردی، شهاب الدین، «تداوم اندیشه های مرجئه در برخی از فرقه های اسلامی»، *مجله علمی پژوهشی فلسفه دین*، دوره دهم، بهار ۱۳۹۲، ش ۱، ص ۱۵۹-۱۲۹.
۶۹. _____، «مرجئه»، *هفت آسمان*، بهار ۱۳۸۶، ش ۳۳، ص ۱۳۶-۱۱۵.
۷۰. یوسفیان، حسن، *خرقه می آلود*، نگاهی به مبانی شریعت گریزی در مکتب تصوف، قم، کتاب طه، چ ۱، ۱۳۹۰.

